

معرفی کتاب «علامه مجلسی»

تالیف: حسن طارمی راد

شرح حال نویسی بر احوالات علامه مجلسی از همان سده‌ی ۱۱ هجری آغاز شده و تا کنون بسیاری از تاریخ نگاران و محققین و عالمان دین چه در قالب کتابی مستقل و یا در کنار مطالب دیگر به شرح زندگانی وی و بیان نقطه نظرات خود پیرامون این شخصیت بزرگوار پرداخته‌اند. با این حال؛ می‌توان کتاب «علامه مجلسی» نوشته‌ی حجت‌الاسلام حسن طارمی راد را یکی از تحقیقی‌ترین آثار دانست.

نگارنده، کتاب «علامه مجلسی» را نه با هدف دفاعیه‌نویسی، بلکه به انگیزه‌ی بیان یافته‌های خود به رشته‌ی تحریر در آورده است؛ چرا که نه دفاع ناب‌جا بر حشمت آنان می‌افزاید و نه بی‌مهری و انتقاد تند می‌تواند آنان را از جایگاهی که به مدد تلاش خویش حیازت کرده‌اند، فرو افکند. اما آنچه سبب شد تا نگارنده دست به تالیف این کتاب بزند، طبق گفته‌ی خویش در ابتدای کتاب، چنین است:

«در بیان انگیزه‌های متعددی که تحریر این نوشته را سبب شد پیش از همه ادای دین به مقام علمی دینی نقش داشت. نگارنده سالهایی چند از گنجینه‌ی گرانبهای فراهم ساخته‌ی او بهره برده، از افادات فراوانش در سراسر بحارالانوار نکته‌ها آموخته است و حق‌گذاری را وظیفه‌ی حتمی خود می‌داند.» (علامه مجلسی، صفحه ۱۰)

کتاب حاضر جستاری محققانه در باب زندگانی عالم فرزانه محمد باقر مجلسی (اعلی الله مقامه) می‌باشد. مطالعه‌ی این کتاب، ما را با روند نگارش کتاب بحارالانوار و روش فقهاتی علامه مجلسی در تألیف این کتاب و سایر کتب آشنا می‌سازد و در این اثنا به برخی دغدغه‌های اساسی در باب رجوع و استفاده از روایات پی خواهیم برد. علاوه بر آن ما را در جریان تحولات اجتماعی و سیاسی عصر ایشان و نقش این بزرگوار و تأثیرگذاری وی بر رخدادهای زمانه خویش قرار می‌دهد.

فهرست کتاب به‌قرار زیر است:

- زندگی و سوانح حیات؛
- تحولات اجتماعی و دینی در عصر صفوی؛

- مجلسی چه کرد؟؛
- آثار و شاگردان مجلسی؛
- بحارالانوار؛
- مقام علمی و دیدگاه‌های مجلسی.

• زندگانی علامه مجلسی

علامه مجلسی در ابتدای کتاب بحارالانوار احوالات خود را چنین شرح می‌دهد:

«من در آغاز جوانی به فراگیری همه گونه‌های علوم حرص می‌ورزیدم و با شور و شوق به برچیدن میوه‌هایی که بر شاخسارهای آن قرار داشت، می‌پرداختم؛ و از این رهگذر، به فضل خدا، دامنی پرگل فراهم آوردم و از هر چشمه‌ای جرعه‌ای سیراب کننده نوشیدم و... سپس به ثمرات و غایات علوم اندیشیدم و در انگیزه‌های دانشجویان تامل کردم و (از خود پرسیدم) کدام عامل مایه‌ی تلاش آنان برای دستیابی به بالاترین مراتب علم می‌شود؟ و نیز به علمی که برای معاد سومند است و آدمی را به «رشد» می‌رساند فکر کردم... و چنین بود که دریافتم دانشی که از چشمه‌ی روشن «وحی» و الهام گرفته نشود، سیراب‌کننده نیست و حکمت، آن هنگام که از رازدانان دین و پناهگاهان بندگان به دست نیاید، سودبخش نتواند بود.» (بحارالانوار، جلد ۱، صفحه‌ی ۲)

آری، آن هنگام که باب‌های نیل به علوم و حیانی را بازدید، چشم از سایر علوم فروبست و تا آخر عمر، زندگی خود را در راه فهم و استنباط این دانش‌ها صرف نمود تا آنجا که او را در زمره‌ی پرتالیف‌ترین علمای شیعه قرار داد و همین امر سبب گردید تا از او بیش‌تر با عنوان محدث یاد شود. هرچند دقیق‌ترین وصف برای وی همین تعبیر می‌تواند باشد، اما سبب گردید تا از او بیشتر با عنوان محدث یاد شود. هرچند دقیق‌ترین وصف برای وی همین تعبیر می‌تواند باشد، اما این عنوان در ذهن بسیاری از اهل علم بار منفی دارد و چنین به اذهان خطور می‌کند که علامه مجلسی محقق نبوده و از مباحث عقلانی دستی نداشته است. این مطلبی است که در ذهن عوام نیز رسوخ کرده است که مجلسی جامع الاحادیثی فراهم کرده است مملو از مطالب ضعیف و غیر قابل قبول! درحالی‌که این توهمی بیش نیست. حجت الاسلام حسن طارمی یکی از فصل‌های کتاب خود را به بررسی اعتبار کتاب بحارالانوار از جهات گوناگون اختصاص داده است.

شخصیت علامه مجلسی مورد توجه مستشرقین بوده است، گاه یکی از این مورخین در مورد تاریخ زندگانی ایشان مطلبی را بیان نموده است و به دنبال وی دیگرانی هم آن موضوع را از طریق همان منبع تکرار نموده‌اند. این

مسأله منجر به بروز برخی توهّمات در مورد شخصیت این عالم فرزانه گردیده است. به عنوان مثال مینورسکی در تعلیقات و حواشی خود بر «تذکرة الملوک» به نام سازمان اداری حکومت صفویان نوشته که در زمان شاه سلطان حسین صفوی، سمت «ملاباشی» به محمد باقر مجلسی داده شد. لکهارت نیز همین مطلب را بیان داشته است. در نادرستی این نسبت تردیدی نیست چرا که عبارت مؤلف «تذکرة الملوک» این است: «در اواخر زمان شاه سلطان حسین، میر محمد باقر نام فاضلی با آنکه در فضیلت از آقا جمال هم عصر خود کمتر بود، به رتبه‌ی ملاباشی - گری سرافراز، و به تقریب مصاحبت، مدرسه‌ی چهار باغ را بنا گذاشته، خود مدرّس مدرسه‌ی مذکور گردید و دادوستد و وجوهات حلال را نیز می‌نمود.»

با توجه به عبارت معلوم می‌گردد که میر محمد باقر غیر از محمد باقر مجلسی است، از آن رو که: اولاً) میر عنوانی برای سادات بوده و هست و نام مجلسی را هیچ کس میر محمد باقر ننوشته است. ثانیاً) محمد باقر مجلسی در پنجمین سال سلطنت شاه سلطان حسین صفوی در گذشت، در حالی که این انتصاب، همان‌گونه که در عبارت تصریح شده است، در اواخر حکومت وی صورت پذیرفت و طبعاً آن شخص نمی‌توانسته مجلسی باشد. ثالثاً) بنای مدرسه‌ی چهارباغ در سال ۱۱۱۶ آغاز شد و در ۱۱۱۸ پایان یافت و در ذیحجه‌ی همان سال، مدرسه افتتاح و تدریس آن به میر محمد باقر تفویض گشت. باری میر محمد باقر مورد اشاره در نوشته‌ی تذکرة الملوک، «میر محمد باقر خاتون آبادی» است که سمت معلمی سلطان صفوی را نیز بر عهده داشته است. به این ترتیب به خاطر این خطا، مستشرقین به اشتباه نوک پیکان انتقادات خود را در مسائل مرتبط با این سمت‌ها به سمت علامه‌ی مجلسی نشانه گرفته‌اند.

• علامه مجلسی و تحولات دینی در عصر صفوی

منصب شیخ‌الاسلامی در زمان شاه طهماسب صفوی ایجاد شد و نخستین کسی که این منصب را یافت محقق کرکی بود. آنچه در این مقام باید بررسی شود، نگاه اجمالی به محتوای فرمان‌های شیخ‌الاسلامی است. این نگاه از این جهت اهمیت دارد که اولاً مبنای انتخاب و التزام شاهان به این سمت را نشان می‌دهد و ثانیاً موقعیت علمی صاحبان این مناصب را در آن عهد آشکار می‌کند. برای آگاهی از این موضوع می‌توان به فرمان سلطان حسین صفوی برای محمد باقر مجلسی رجوع کرد. در آنجا چنین آمده است که «رعایت علمای اعلام و فقهای اسلام» را منظور نظر دارد و «چون سررشته‌ی امور مذکوره در کف درایت علمای فرقه‌ی ناجیه‌ی اثنی‌عشریه که حافظان احکام و وافقان مدارک حلال و حرام‌اند، می‌باشد»، «مجتهد عصر و اعلم اهل زمان به کتاب و سنت» یعنی محمد

باقر مجلسی را به «منصب جلیل‌القدر عظیم‌الشان شیخ‌الاسلامی دارالسلطنه‌ی اصفهان و توابع و لواحق» برگزیده است. او نیز در پی این معرفی، حوزه‌ی اختیارات و مسوولیت‌های شیخ‌الاسلام را بر می‌شمرد و از وی می‌خواهد که «در امر به معروف و نهی از منکر و اجرای احکام شرعی و سنن ملیه و منع و زجر جماعت مبتدعه و فسقه ... و سایر امور که به شیخ‌الاسلامان مرجوع است» هیچ تردیدی نکند.

عده‌ای از علامه مجلسی به سبب پذیرش مقام شیخ‌الاسلامی از جانب پادشاهان صفوی، چهره‌ی یک عالم درباری ساخته‌اند. اما باید دید با توجه به این‌که علمای دیگری چون شیخ بهایی و محقق کرکی نیز بر این مسند نشستند، تا چه حد این ذهنیت صحیح است و این سؤال که این علما به چه منظور دست به چنین اقداماتی زده‌اند باید پاسخ داده شود. در این کتاب نویسنده با بیان فضای اجتماعی و تحولات سیاسی و دینی عصر حیات علامه مجلسی، تلاش می‌کند تا دلایل محتمل بر همکاری این عالم دینی را دستگاه حکومتی صفوی را بکاود. بی‌تردید قبول مناصب از سوی علما و دخالت آنان در امور اجتماعی با این انگیزه صورت می‌گرفت که بتوانند گامی در جهت تبلیغ احکام و اشاعه‌ی تعالیم دین بردارند، از خطاها پیشگیری کنند و در حد توان خود و پذیرش اجتماع مانع انجام شدن کارهای نادرست شوند. بحث فقهی پذیرش مناصب رسمی از سوی حاکم جائز (تولی عن الجانز) در بیشتر آثار فقهی شیعه موجود است و از عصر امامان نمونه داشته است. محمد باقر مجلسی در *عین‌الحیوة* پس از بیان مفاسد قرب پادشاهان به ذکر مواردی می‌پردازد که به آن جهت به خانه‌ی حکام می‌توان رفت و حتی گاه هست که معاشرت با ایشان و تردد کردن به خانه‌های ایشان واجب می‌شود.

• مجلسی چه کرد؟

محمد باقر مجلسی، چنانکه از گزارش احوال او دانسته شد، بیشتر وقت خود را به تدریس، پژوهش، تالیف و ارشاد خلق گذراند و تنها دو دهه پایانی عمر خویش را با منصب قضا و سمت شیخ‌الاسلامی به سر آورد. به نقل استاد ذبیح الله صفا از دست‌نوشته مجلسی بر حاشیه‌ی نسخه‌ای از «*تهذیب الاحکام*» شیخ طوسی: مجلسی با توجه به گرایش مردم به «صوفیان بدعت‌گذار و حکیمان زندیق» رسالت اجتماعی خود را در آن دیده که آثار و اخبار امامان علیهم‌السلام را در میان مردم بپراکند. (تاریخ ادبیات، ج ۵، بخش یکم، ص ۲۰۹)

مجلسی بیش از آنکه به تصدی مناسب رسمی دینی شائق باشد، کوشش در تبیین و اشاعه‌ی تعالیم دین را وجهه‌ی نظر خود قرار می‌داده است. با عنایت به همین نکته است که می‌توان دریافت چرا مجلسی در مسجد خویش به منبر می‌رفت و یا آثاری به فارسی برای مخاطبان غیر عالم می‌نگاشت. سید نعمت الله جزایری، دانشمند معاصر و

دستیار او به مناسبتی در شرح تهذیب خود از روش مجلسی در تشویق مردم به پایبندی به سنت‌ها و آداب دینی سخن گفته است. (زندگی نامه علامه مجلسی مندرج در بحار، ج ۱۰۲، ص ۱۴۹)

به‌طور کلی عناصر بارز فعالیت‌های علمی، دینی، اجتماعی و احیاناً سیاسی مجلسی عبارتند از:

- فارسی‌نگاری کتاب‌های دینی (مانند «حق الیقین» و «عین الحیوة») و برگردان فارسی متون دینی از عربی (مانند «فرحة الغری»).

- تالیف جامع حدیثی بحارالانوار.

- اقدامات اجتماعی - دینی به‌ویژه در دوران شیخ الاسلامی. (رجوع شود به بحار، ج ۱۰۲، ص ۲۷ و ۲۸)

از فعالیت‌های مجلسی می‌توان به درخواست‌های وی از پادشاه صفوی مبنی بر صدور فرمان ممنوعیت باده-نوشی در کوی و برزن و جنگ طوایف و دستجات کبوتربازی را نام برد. شاه با طیب خاطر این درخواست‌ها را پذیرفت. مردم مسلمان هم از اینکه مجلسی یا عالمان دیگر، از زمامداران وقت می‌خواستند که احکام اجتماعی دین حرمت نهاده شود، به یقین دلشاد بودند، و بر خلاف آنچه لکهارت نوشته، این مردم نبودند که قدغن شراب را برنتافتند، بلکه درباریان و دولتیان بودند که موجب شدند این فرمان‌ها لغو شود.

مقابله‌ی علمی و نشر کتاب علیه عقاید صوفیه از دیگر تلاش‌هایی بود که مجلسی انجام داد. نگاه‌های مجلسی در این باب چه آنها که خطاب به عموم است و چه آنها که به نقد آرای ایشان پرداخته، از روش برخورد او با صوفیان خبر می‌دهد و هیچ‌گاه از آنها رایحه‌ی تعذیب و قتل و تبعید به مشام نمی‌رسد. این درحالی است که افرادی چون کامل مصطفی شیبی و لکهارت وی را متهم به برخورد خشن با صوفیان و دیگر مخالفان اعتقادی کرده‌اند. به نظر ما یکی از دلایل این نسبت‌ها به مجلسی، همان خطایی است که مینورسکی، و به تبع او دیگران درباره‌ی مجلسی کردند. او محمدباقر مجلسی را با میرمحمدباقر خاتون‌آبادی اشتباه کرده و نوه‌ی مجلسی، میرمحمدحسین خاتون‌آبادی را با ملاحسین ملباشی جایگزین کرده و داد سخن داده است.

کوتاه سخن؛ مجلسی عالمی دینی بود که عرصه‌ی نشر تعالیم شیعی، ترویج آداب و سنت‌های دینی، بازگفتن دیدگاه‌های خود درباره‌ی نلحه‌ها و فرقه‌های منحرف از دین، سامان دادن یکی از بزرگترین جوامع حدیثی شیعه و امر به معروف و نهی از منکر را میدان فعالیت خود قرارداد؛ به‌علاوه، برخی مناصب رسمی دین را که بنابر آموزه‌های دینی بر دوش فقیه گذاشته شده، در بخش پایانی عمر خود تصدی کرد.

• آثار و شاگردان مجلسی

محمدباقر مجلسی، نویسنده‌ای پرکار و کثیر التالیف بود. به نقل دخترزاده مجلسی، میر محمد حسین خاتون آبادی، در رساله‌ای که در عدد تالیفات و تصنیفات او نگاشته است، مجلسی ۱۰ عنوان تالیف به زبان عربی و ۴۹ عنوان کتاب به زبان فارسی دارد. بسیاری از نگاشته‌های او با توجه به مشاغل اجتماعی و رسمی و نیز با در نظر گرفتن بنیه‌ی ضعیف وی، اعجاب‌انگیز خوانده شده است.

برخی کتب علامه عبارت‌اند از:

۱. بحار الأنوار، مجموعه‌ی بزرگ روایی در ۱۱۰ جلد که ضمن آن تفسیر بسیاری از آیات هم آمده است.
 ۲. مرآة العقول، از بهترین شرح‌های کتاب کافی اثر ثقة الاسلام کلینی، در ۲۶ جلد.
 ۳. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، شرح کتاب تهذیب اثر شیخ طوسی، در ۱۶ جلد.
 ۴. الفرائد الطریفة، شرح صحیفه سجادیه علیه السلام.
 ۵. شرح أربعین حدیث، که احادیث آن از «غوامض اخبار» یا «متشابهات» و یا از احادیث مهم فقهی است.
 ۶. حق الیقین، در اعتقادات که به گفته خاتون آبادی آخرین کار تالیفی مجلسی بوده. (فارسی)
 ۷. عین الحیوة، شرح وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به ابوذر؛ (فارسی)
 ۸. مشکوة الأنوار، که گزیده (منتخب) عین الحیوة است. (فارسی)
 ۹. حیوة القلوب، در تاریخ پیامبران سلف، پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام در سه جلد (فارسی)
 ۱۰. جلاء العیون، در تاریخ زندگانی و مصائب اهل بیت علیهم السلام (فارسی)
 ۱۱. چند کتاب فارسی در آداب و سنن، ادعیه و زیارات؛ مانند حلیة المتقین، تحفة الزائر، زاد المعاد، مقباس المصاییح و مفاتیح الغیب و کتبی در ترجمه‌ی آنها همچون زیارت جامعه کبیره و دعای کمیل و سمات.
 ۱۲. کتب فراوانی به عنوان ترجمه‌ی احادیث خاص مانند ترجمه‌ی «توحید مفضل» و «حدیث توحید امام رضا علیه السلام» و «قصیده‌ی تائیه‌ی دعبل خزاعی»
 ۱۳. چند نوشته در باب مسائل فقهی، رجال و عقائد و مباحث کلامی، مانند رجعت.
- حوزه‌ی درسی مجلسی از سال ۱۰۷۰ تا پایان عمر وی، به مدت ۴۰ سال، مبرزترین حلقه‌ی علمی اصفهان به‌شمار می‌رفته است. شاگرد و همکار نامور مجلسی، سید نعمت‌الله جزائری، شمار شاگردان وی را بالغ بر هزار دانسته است. (انوار نعمانیه، ج ۳، ص ۳۶۲) که از آن جمله‌اند: سید نعمت‌الله جزائری، میر محمد صادق خاتون‌آبادی، میر محمد حسین خاتون‌آبادی، ملا محمد علی اردبیلی، ملا عبدالله افندی، میرزا محمد مهدی و ملا عبدالله بحرانی.

• بحار الانوار

در میان آثار به جا مانده از علامه مجلسی، کتاب بحارالانوار جایگاه ویژه‌ای دارد به طوری که در ذهن عموم مردم جامعه نام بحارالانوار قرین یاد علامه مجلسی است و او را اساساً به کتابش می‌شناسند؛ لذا ذهنیتی که از خود علامه مجلسی در اذهان به وجود آمده است، به شدت متأثر از نوع نگاه کردن به کتاب بحارالانوار است.

در کتاب علامه مجلسی، حجت‌الاسلام طارمی با ذکر مثال‌های گوناگون مشابه سعی می‌کند ما را با مشی علامه مجلسی در تألیف کتاب نفیس و گران‌سنگ بحارالانوار آشنا سازد.

در کتاب بحارالانوار جنبه‌های مختلفی گرد هم آمده است. گردآوری آیات و روایات به شکل موضوعی نگارش تفاسیر آیات از کتب مختلف تفسیری از علمای تشیع و نیز دانشمندان عامه چون فخر رازی یکی از این بخش‌ها است. توضیح و شرح روایات و تبیین اخبار مستند و معتبر و جمع بین آن‌ها و رفع تعارضاتی که پیش از او در موضوعات گوناگون علمی مطرح بوده است، جنبه‌ی دیگری از این کتاب را تشکیل می‌دهد. در این‌جا به اختصار به ذکر یکی از این نمونه‌ها می‌پردازیم.

شیخ صدوق در کتاب «توحید» به صورت مُسند از امام صادق علیه‌السلام حدیثی نقل می‌نماید. همین حدیث با اندکی اختلاف و با همان سلسله‌ی سند در «کافی» به چشم می‌خورد. علامه مجلسی پس از توضیح دو روایت، حدیث منقول از کافی را از حیث دلالت محکم‌تر می‌شمرد و سپس دلائلی برای علت وجود اختلاف بین این دو نقل ذکر می‌کند. این نمونه‌ای از یک کار تحقیقی خوب و موفق بود که علامه مجلسی در بحار به آن پرداخته است. علامه مجلسی برای ذکر روایات در کتاب خود در گام نخست به بررسی کتب موجود در نقاط مختلف جهان اسلام می‌پرداخت و آن‌ها را از حیث صحت انتساب به نویسنده و کیفیت نقل حدیث در آن‌ها و مشی فکری و مذهب نگارنده بررسی می‌کرد و بدین سبب است که از برخی کتب به صورت گزینشی روایت نقل نموده است.

او درباره‌ی مؤلفان برخی کتاب‌ها مانند «فقه‌الرضا علیه‌السلام»، «مصباح‌الشریعه»، «روضه‌الواعظین» و «دعائم‌الاسلام» و ... بحث کرده است. به عنوان مثال بیش‌تر اهل علم روزگار وی چنین می‌پنداشتند که «دعائم‌الاسلام» منسوب به شیخ صدوق است، در حالی‌که علامه مجلسی گوشزد می‌کند که نویسنده‌ی این کتاب «قاضی نعمانی مصری» است و سپس مدعی می‌شود که او در ابتدا مالکی مذهب بوده و بعداً شیعه‌ی امامیه شده است؛ یا درباره‌ی انتساب «مصباح‌الشریعه» به امام صادق علیه‌السلام تردید خود را مطرح می‌سازد؛ و از سوی دیگر با بررسی نسخ خطی که با خط مؤلفین موجود بوده است و قرائن و شواهدی که از تاریخ و سایر کتب و مسائل دیگر

در دست داشته است، صحت انتساب «مالی» به شیخ طوسی، «تحف العقول» به ابن شعبه حرّانی و ... را به اثبات می‌رساند. بررسی محتوایی و متن روایت موجود در کتاب‌ها از دیگر کارهای وی است.

«مشارق‌الانوار» حافظ بُرسی را حاوی مطالب غلوآمیز و آمیخته از درست و نادرست می‌داند و به خاطر وجود این مطالب در کتاب، نسبت به مؤلف نیز احتمال خلط کردن مباحث و گرفتار بودن به غلو در حق امامان را می‌دهد، از این رو فقط مطالبی را از آن نقل می‌کند که با روایات موجود در مآخذ معتبر شیعه سازگار است. (بحار، ج ۱، ص ۱۰) مثال دیگر مطرح در این بحث دعای عرفه منقول از امام حسین علیه‌السلام است. این دعای شریفه را سید بن طاووس در کتاب «اقبال» و کفعمی در «بلد‌الأمین» آورده است؛ بنابراین مأخذ آن، کتاب «اقبال» است و مجلسی نیز آن را از همین کتاب نقل می‌کند. قسمت آخر دعا، قطعه‌ای است که با جمله‌ی «إلهی أنا الفقیر فی غنای» آغاز می‌شود و همان است که در آن جمله‌ی مشهور «أیکون لغيرک من الظهور ما لیس لک ...» آمده و معمولاً در برخی برهان‌های توحیدی به آن استناد می‌شود. مجلسی پس از اتمام دعا این توضیح را می‌دهد که ما این دعا را به این صورت از روی اقبال آورده‌ایم؛ اما در کتب «بلد‌الأمین» و «مصباح‌الزائر»، که از کتاب «اقبال» گرفته‌اند، قطعه‌ی آخر وجود ندارد و در برخی از نسخه‌های قدیم «اقبال» نیز این قطعه دیده نمی‌شود. سپس می‌افزاید که این تعبیرات با سیاق عبارات دعایی امامان شیعه هماهنگ نیست و بیشتر با مذاق صوفیان سازگار است. از این رو یکی از فضلا معتقد است این قطعه را بعضی از مشایخ صوفیه به آن افزوده‌اند (بحار، ج ۹۵، صفحه‌ی ۲۲۷)

نگارنده‌ی این کتاب که خود اهل علم و تحقیق است، بر این باور است که علامه مجلسی در فهم و تبیین احادیث، هیچ مخالفتی با بهره‌گیری از داده‌های علمی و مبانی عقلی نداشت و فقط تأویل‌های تکلف‌آمیز را نمی‌پسندید و از سوی دیگر دلیل بر نفی و انکار شتاب‌زده‌ی روایات نمی‌دید؛ بلکه هم‌تنش بر این بود که با غور در کتب مختلف و احادیث گوناگون، به فهم و جمع صحیح احادیث متعارض دست یابد و به تصدیق بزرگان این فن، وی در این امر موفق بوده‌است که: گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی. آنان‌که در بحار علامه با تأمل به جستجو پرداخته‌اند، به دُر‌ها و جواهراتی دست‌نیافتنی دسترسی پیدا کرده‌اند.